

## بررسی نقش ابوالحسن ابتهاج در شکل‌گیری سازمان برنامه و تفکر برنامه‌ریزی توسعه در ایران

نبی امید<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

### چکیده

از ابوالحسن ابتهاج بعنوان مغز متفکر برنامه‌ریزی توسعه در ایران، بنیانگذار نظام برنامه‌ریزی در ایران و یکی از پرشورترین حامیان جان‌مینارد کینز یاد میشود. هدف از انجام این پژوهش تبیین نقش ابتهاج در شکل‌گیری یک سازمان متمرکز برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و عمرانی کشور است. این پژوهش کیفی است و به شیوه تحلیل اسناد و مدارک انجام شده است. اسناد در مقوله پارادایم‌های متنی قرار دارند که بخش جدانشدنی از سیستم‌ها و ساختارهای دیگر در سازمان هستند. بدین طریق که فهم مسائل خاص را تعریف کرده و رفتارها و روشهای گوناگون انجام امور را توصیف میکنند. از اینرو اطلاعاتی که این اسناد در اختیار پژوهشگران می‌گذارند جامع‌تر از اطلاعاتی است که پژوهشگران از طریق مصاحبه یا پرسشنامه به دست می‌آورند. در این پژوهش برای تحلیل مستندات از روش هرمونیک استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد ۱. محوریت ایجاد تفکر برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح حاکمیت، ۲. تهیه نخستین تشکیلات متمرکز و برنامه‌های موضوعی و ۳. ترویج لزوم استفاده از شرکت‌های مشاوره خارجی و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی، از مهمترین نقش‌های ابتهاج در تشکیل سازمان برنامه و ایجاد تفکر برنامه‌ریزی در ایران است.

**کلیدواژه‌ها:** ابوالحسن ابتهاج، سازمان برنامه، برنامه‌ریزی، توسعه اقتصادی، ایران.

<sup>۱</sup> دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [nabiomidi@pnu.ac.ir](mailto:nabiomidi@pnu.ac.ir)

## مقدمه

از ابتدای به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطیت، دولت مرکزی به طور دائم کسری بودجه داشته که در طول زمان بیشتر می‌شد. در دوره مشروطیت با وجود اقداماتی که برای تنظیم مالی دولت صورت گرفت، به دلیل عدم اقتدار لازم مجلس و دولت در تعیین سیاست‌ها و اعمال اراده در تمام پهنه سرزمینی و نیز مداخلات دو ابرقدرت روس و انگلیس در ایران این تلاش‌ها با توفیق همراه نبود. در سال‌های ابتدایی سلطنت پهلوی، سقوط امپراتوری روسیه و تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای انگلیس، در کنار کشف نفت، به رژیم تازه امکان داد تا کسری بودجه‌های گذشته را اصلاح و منابع درآمدی جدیدی برای دولت ایجاد کند. علیرغم اقدامات دولت در ایجاد زیرساخت‌ها و تأسیس تعدادی از صنایع و نیز استخدام مستشاران خارجی برای اصلاح مالیه عمومی، تلاشی جهت سوق دادن این اقدامات در قالب یک برنامه منسجم یا به تعبیر مصطلح در آن دوران، نقشه اقتصادی کشور نشد (رجب پور، ۱۳۹۸). گرچه نظام برنامه‌ریزی حکومت‌ها در ایران از منظر تاریخی دارای قدمت فراوانی می‌باشد، اما تلاش‌ها برای برنامه‌پذیر کردن توسعه اقتصادی و تفکر برنامه‌ریزی در ایران در شکل نوین آن از سال‌های آغازین دوره پهلوی (قرن چهاردهم شمسی) آغاز شد و سال ۱۳۱۶ش بعنوان شروع زمینه‌های اجرایی برنامه‌ریزی در کشور به شمار می‌رود. ایجاد نظام برنامه‌ریزی برای تحقق بخشیدن به اهداف تعریف شده دولت و محاسبه دخل و خرج مملکت، یکی از مسائل مهم در هر نظام سیاسی، حقوقی و اداری است. با ایجاد برنامه‌های کلان مملکتی می‌توان به یکی از اصلی‌ترین اهداف دولت‌های مدرن یعنی توسعه، دست یافت. کشور ایران دارای سابقه نزدیک به نیم قرن برنامه‌ریزی است و اولین زمینه‌های آن را می‌توان در دوره پهلوی دانست؛ اما شخصی که نظام برنامه‌ریزی در ایران را به مرحله جدیدی وارد کرد؛ ابوالحسن ابتهاج بود که نام وی با سازمان برنامه عجین شده است (مولایی و وهیبی فخر، ۱۳۹۹). در این پژوهش به بررسی نقش ابوالحسن ابتهاج در شکل‌گیری سازمان برنامه در ایران جهت برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی کشور پرداخته می‌شود.

## ادبیات و پیشینه تحقیق

ابداع و به‌کارگیری برنامه‌ریزی متمرکز در راستای حل مسائل و ایجاد تحولات در توسعه و عمران شهرها و در کل اقتصاد یک سرزمین در نظام جدید سوسیالیستی در شوروی انجام پذیرفت که بر اساس کلیت عمومی عوامل تولید و مداخله همه‌جانبه دولت استوار گردیده بود. این تدارکات در قالب برنامه‌های توسعه به اجرا گذاشته شد که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تجربه برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی به پایان عمر خود رسید (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴-۱). برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه یافته با بحث‌های مارکس درباره لزوم جایگزینی آشفته‌گی بازار توسط مدیریت آگاهانه و اراده‌ی اقتصاد پدیدار گشت (توفیق، ۱۳۸۳: ۲۳). اما در کشورهای در حال توسعه این مسئله بیشتر تابع تلاش این کشورها برای برخورد فعالانه با معضلات ناشی از توسعه نیافتگی یا ایجاد یک بستر به نسبت باثبات، برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و نیز ارزیابی یک بستر منظم امکانات و محدودیت‌ها بود (مومنی، ۱۳۷۴: ۵). در اقتصاد ایران، برنامه‌ریزی حداقل از منظر داشتن طرحی برای مدیریت دستگاه‌های دولتی دارای اهمیت است. وجود نفت (به عنوان مبنای اصلی درآمدهای دولت) و وجود انبوه شرکت‌های دولتی که بخش عمومی را بخش مسلط اقتصاد ایران می‌سازد اهمیت توجه به برنامه‌ریزی را دوچندان می‌کند (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۲۱). مفهوم برنامه‌ریزی اجتماعی ابتدا در کشورهای توسعه یافته اروپای غربی و آمریکای شمالی به کار گرفته شد و دلالت بر برنامه‌ریزی برای فراهم کردن خدمات اجتماعی داشت. این مفهوم با توجه به گستره، اهداف و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی به کارگیری آن، با تعاریف و رویکردهای متفاوتی مورد استفاده پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است (امیدی، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۹۷). برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه در ابتدای قرن بیستم و به دنبال تحولات بین‌المللی میان دو جنگ جهانی و پس‌از آن از سوی غالب کشورهای توسعه‌نیافته پیگیری شد. در ایران پیدایش اندیشه برنامه‌ریزی و تجربه تلاش در عملی‌ساختن آن در مقطعی کوتاه، پیش از گرایش گسترده در سطح بین‌المللی، در دوره حکومت رضاشاه به منصف ظهور رسید و الگوی نوسازی ایران پایه‌گذاری شد (ناعم و یعقوب زاده، ۱۳۹۶). با به قدرت رسیدن رضا شاه، اقداماتی برای رهایی از مشکلات و

آشفته‌گی‌هایی که کشور در اواخر دوران حکوت قاجار با آنها دست به‌گریبان بود، صورت گرفت و در طی حکومت شانزده ساله رضاشاه اقدامات زیادی در این راستا انجام گرفت. در عرصه اقتصادی نیز، اقتصاد ایران به تدریج رو به ثبات گذاشت و تا اندازه‌ای یکپارچگی خود را به دست‌آورد و به عبارتی اقتدار دولت مرکزی راه را برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی هموار کرد (ایزدی و حیدر پور اینانلی، ۱۳۹۴: ۲۷-۱). برخی مطالعات، مجموعه نهاد برنامه‌ریزی را شامل سه جنبه، فرآیند برنامه‌ریزی، نهاد برنامه‌ریزی و برنامه دانسته‌اند (هادی زنوز، ۱۳۸۹: ۵۲).

مولایی و وهیبی فخر (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان اقدامات ابوالحسن ابتهاج در ساختار نظام برنامه‌ریزی ایران؛ تحلیل از دیدگاه حقوق اداری، به این موضوع پرداخته‌اند که از دیدگاه حقوق اداری، مهمترین اقدامات ابتهاج در ساختار نظام برنامه‌ریزی ایران چه بوده است؟ اقدامات وی چه آثار حقوقی داشت؟ سازمان برنامه و بودجه در دوران وی چه تحولاتی را پشت سر گذاشت؟ نتایج مطالعات آنان نشان داد، ابتهاج اداره را نهادی مدرن و متکی بر ارزش‌های مدرن می‌دانست. اقدامات وی، زمینه‌ساز شناسایی اصول حقوق اداری، به ویژه اصل برابری، تخصص و شفافیت بوده است و اینکه نظام دیوانسالاری و تغییرات ساختاری که در سازمان برنامه و بودجه ایجاد کرد، منجر به نتایج عملی شد.

نیلی و کریمی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۱۶-۱۳۵۶ش، تحلیلی تاریخی با تمرکز بر تحولات نقش و جایگاه سازمان برنامه و بودجه ارائه داده‌اند. در این کتاب به دوره‌های مختلف برنامه‌ریزی در ایران در زمان پهلوی و برنامه‌های پنج‌گانه توسعه عمرانی در این دوران پرداخته شده است و در دوره‌های مختلف (بخصوص برنامه‌های اول تا سوم) به اقدامات ابوالحسن ابتهاج اشاره شده است.

نادرزاد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان درآمدی بر فعالیت‌های سازمان برنامه در زمان ریاست ابوالحسن ابتهاج، به رویکردهای پیگیری شده توسط ابتهاج در سازمان برنامه پرداخته است. حاجی یوسفی (۱۳۸۲) در مقالاتی (دو قسمت) با عنوان بررسی سیر تکوین اندیشه برنامه‌ریزی و توسعه در ایران، به بررسی شکل‌گیری تفکر و اندیشه برنامه‌ریزی پرداخته و در قسمت اول تحولات توسعه در ایران از شهریور ۱۳۲۰ش به بعد در دوره محمدرضاشاه را

تحلیل کرده است. در قسمت دوم نیز به زمینه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی در دوران دولت ملی مصدق پرداخته است. در هر دو قسمت مقاله به نقش آفرینی ابوالحسن ابتهاج درباره لزوم توسعه برنامه اقتصادی توسعه در کشور توجه شده است.

نکته متمایز این پژوهش نسبت به تحقیقات و مطالعات قبلی صورت گرفته، تمرکز بر اقدامات دکتر ابوالحسن ابتهاج قبل از شکل‌گیری سازمان برنامه و قبل از تدوین برنامه عمرانی اول و در واقع بررسی نقش ابتهاج در شکل‌گیری سازمان برنامه در ایران به منظور برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در کشور است.

### روش تحقیق

این پژوهش کیفی است و منابع از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات و گزارشات معتبر رسمی جمع‌آوری و برای تحلیل از روش هرمنوتیک استفاده می‌شود، در ادامه به بررسی گام‌های این روش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۹۲)، پرداخته می‌شود:

(۱) دسترسی به داده‌های اطلاعاتی: برای داده‌های اطلاعاتی این مقاله از مجموعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات، گزارشات معتبر و نیز خاطرات افراد برجسته و از جمله خاطرات خود دکتر ابوالحسن ابتهاج استفاده شده است.

(۲) بازبینی اعتبار داده‌های اطلاعاتی: از آنجا که منابع استفاده شده از گزارشات معتبر سازمان برنامه و بودجه، مقالات معتبر چاپ شده در نشریات دارای اعتبار وزارت علوم و نیز مجلات و کتب مرجع و مستند بوده است، منابع داده‌های اطلاعاتی از اعتبار مناسبی برخوردار بوده‌اند.

(۳) درک، فهم و تجزیه و تحلیل داده‌های اطلاعاتی: برای این امر ضمن ارائه تحلیل در زمینه برنامه‌ریزی در ایران به بررسی جایگاه و نقش ابوالحسن ابتهاج در تاسیس سازمان برنامه و بودجه پرداخته می‌شود.

### ابوالحسن ابتهاج و شکل‌گیری تفکر برنامه‌ریزی

ابتهاج جوان در شرایطی بزرگ شد که ایران با شرایط سیاسی و اقتصادی آشفته‌ای روبرو بود. در سده ۱۲ و ۱۳ش، ایران یکی از انگشت‌شمار کشورهای آسیایی (در کنار ژاپن، چین

و تایلند) بود که توسط قدرت‌های آن زمان اشغال نشده بود. اما در زمان تولد ابتهاج اوضاع داخلی ایران بسیار شکننده بود.

ابوالحسن ابتهاج در ۸ آذر ۱۲۷۸ش در رشت متولد شد. پدرش ابراهیم، ملقب به ابتهاج‌الملک، اهل گرگان و از بزرگترین مالکین اراضی گیلان بود. دوران کودکی را در رشت سپری کرد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه رشديه رشت آغاز نمود. سپس به اتفاق خانواده‌اش به تهران آمد و در مدرسه تربیت ادامه تحصیل داد. در سال ۱۲۹۱ش هنگامی که دوازده سال داشت پدرش او را همراه برادر بزرگترش برای ادامه تحصیل به پاریس فرستاد. از همان ابتدا در پاریس به فراگیری زبان فرانسه پرداخت و پس از دو سال، وارد مدرسه موتین شد. پس از دو سال اقامت در پاریس، در سال ۱۲۹۳ش، پدرش آن دو را از پاریس به بیروت به کالج پروتستان سوریه فرستاد. در این مدرسه با عده زیادی از شاگردان ایرانی از جمله قاسم غنی، عبدالحسین و علی محمد دهقان و فرزندان باقروف آشنا و هم‌دوره شد. در سال ۱۲۹۳ش به اتفاق برادر برای تعطیلات تابستان به ایران بازگشتند، این امر مصادف با آغاز جنگ جهانی اول و بسته شدن همه راه‌های خروج از ایران شد و آنها نتوانستند به بیروت بازگردند. در همان سال خانواده وی از تهران به رشت رفتند و در مدرسه امریکایی رشت مشغول تحصیل شدند و تا سال ۱۲۹۵ش در آنجا درس خواندند. سپس در همین سال پدرش وی را به تهران فرستاد و در خانه دو زن امریکایی سکونت کردند و تا سال ۱۲۹۸ش تحت تعلیم خصوصی آنان و چند آموزگار دیگر ادامه تحصیل دادند. در همین دوران بود که مطالبی تحت عنوان "آیا می‌دانید؟" در روزنامه ایران می‌نوشت. در تابستان همین سال به رشت بازگشت و به سمت مترجم، به استخدام انگلیسی‌ها در آمد. پس از چندی، در انزلی، دستیار مصطفی میرزا گردید. اما کمی بعد به دلیل آنکه به کار محوله خود علاقه نداشت، آن را رها کرد و مترجمی دسته‌ای از قوای انگلیسی را پذیرفت و با آنها به بندر گز رفت. ابتهاج در سال ۱۲۹۹ش به دلیل عقب‌نشینی قوای انگلیس در گیلان، به رشت بازگشت. پس از مدتی که میرزا کوچک‌خان تشکیل حکومت مستقل در رشت داد، جنگلی‌ها او و برادرش را به اتهام مخالفت با حکومت انقلابی دستگیر ولی پس از مدتی آزاد کردند. چندی بعد به علت پیشروی قوای روسیه در گیلان، ابوالحسن و غلامحسین ابتهاج از رشت

گریخته و به تهران آمدند. سپس به استخدام بانک شاهی ایران درآمد و در ۱۳۰۱ ش به شعبه رشت بانک شاهی منتقل گردید و در سال ۱۳۰۳ ش با سمت مترجم کل، به شعبه تهران انتقال یافت. پس از مدتی به سمت معاون بازرس کل در بانک منصوب و مسئولیت امور حقوقی و قضایی بانک را عهده‌دار گردید. در تابستان سال ۱۳۱۰ ش، برای وصول مطالبات بانک شاهی و طلبکاران ایرانی، از طرف بانک شاهی، به ترکیه سفر کرد. در ۱۱ تیر ۱۳۱۵ ش از بانک شاهی استعفا داد و با سمت کمیسر مفتش دولت در بانک فلاحی ایران، همراه با نظارت بر بیش از چهل شرکت دولتی به استخدام وزارت مالیه (دراستی) درآمد. سپس با ایجاد شواری اقتصاد و موافقت رضا شاه ابتهاج به ریاست دبیرخانه آن شورا برگزیده شد. در تیر ماه سال ۱۳۱۵ به سمت بازرس دولت در بانک کشاورزی تعیین و در سال ۱۳۱۶ به معاونت بانک ملی ایران منصوب شد (خلاصه محقق از زندگی‌نامه و خاطرات ابوالحسن ابتهاج). مسعود نیلی و محسن کریمی در کتاب برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۵۶-۱۳۱۶ ش در تحلیلی تاریخی، با تمرکز بر تحولات و نقش و جایگاه سازمان برنامه و بودجه، روند شکل‌گیری و تثبیت و توسعه سازمان برنامه از آغاز تا قبل از انقلاب را به پنج دوره تقسیم کرده‌اند:

دوره اول. ۱۳۱۶-۱۳۲۴ ش: شکل‌گیری تفکر برنامه‌ریزی در ایران؛

دوره دوم. ۱۳۲۵-۱۳۳۷ ش: ایجاد نهاد برنامه‌ریزی؛

دوره سوم. ۱۳۳۸-۱۳۴۶ ش: تثبیت جایگاه برنامه‌ریزی؛

دوره چهارم. ۱۳۴۷-۱۳۵۱ ش: دوران اوج برنامه‌ریزی؛

دوره پنجم. ۱۳۵۲-۱۳۵۶ ش: دوران فراز و فرود برنامه‌ریزی (نیلی و کریمی ۱۳۹۶: ۸۸-۲۷).

در دوره اول، نحوه شکل‌گیری تفکر برنامه‌ریزی در ایران و مقدمات تشکیل سازمان برنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوعات مهم مربوط به این دوره که سال‌های پایانی حکومت رضاشاه و سال‌های ابتدایی سلطنت محمدرضا شاه را شامل می‌شود عبارت است از: تلاش‌های اولیه ابوالحسن ابتهاج برای توجیه ضرورت برنامه‌ریزی در ایران، که حاصل آن در مقطع اولیه، به تشکیل شواری اقتصاد به ریاست رضاشاه و شکل‌گیری دبیرخانه آن به ریاست

ابتهاج و فراهم آوردن مقدمات تهیه سندی به نام نقشه اقتصادی کشور می‌انجامد. در این دوره شاهد محوریت نقش‌آفرینی توسط ابوالحسن ابتهاج از طریق پیشنهاد لزوم برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی کشور به مقام اول حکومت هستیم.

فرانسیس بوستاک و جفری جونز<sup>۱</sup> در کتاب برنامه‌ریزی و قدرت در ایران (ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی در زمان شاه)<sup>۲</sup> معتقدند که ابتهاج بنیان‌گذار نهادهای مختلف در ایران بود. در فاصله بین دو جنگ جهانی، که فرآیند نوگرایی زیر نظر شاه به سرعت روبه رشد بود، تعداد مدیران کارآمد بسیار اندک بود. ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم، با چالش مهم ایجاد یک نظام اداری و چارچوب نهادی برای اجرای سیاست‌های دولت روبرو بود. ابتهاج در دهه های ۱۹۴۰ (۱۳۱۰ هجری شمسی) و ۱۹۵۰ (۱۳۲۰) نقش چشم‌گیری در ایجاد نهادهای اثرگذار، که پیش‌نیاز اصلی توسعه پایدار بود، ایفا کرد. و سرانجام اینکه، مهمترین نقش ابتهاج پیشگامی او در اندیشه توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی شده در ایران بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۳۰م (۱۳۰۰ش) ابتهاج که با ناکارآمدی‌ها و ناسازگاری‌های فرآوانی در رابطه با اجرای برنامه رضاشاه برای صنعتی کردن کشور روبرو بود، موضوع ضرورت اتخاذ رویکردی عقلانی‌تر برای توسعه اقتصادی ایران را مطرح کرد. بعنوان رئیس بانک ملی، تلاش فرآوانی برای ایجاد یک سازمان برنامه‌ریزی کارآمد انجام داد. ابتهاج رابطه مناسبی با رضاشاه داشت. ارتباط ابتهاج با شاه، نشأت گرفته از اندیشه‌هایی بود که در سر داشت و در مقابل نگرانی‌هایی که هر روز فکر او را مشغول می‌کرد. برخی معتقدند که اندیشه‌هایی چون ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی که در قانون اساسی مشروطه محترم شمرده می‌شد، تأثیر قابل توجهی بر نسل جوان ایرانی آن دوران از جمله ابتهاج داشته است.

ابتهاج در سراسر زندگی حرفه‌ای خود چهره‌ای اهل چالش بود. در حالی که عده‌ای وی را دست‌نشانده خارجی‌ها معرفی می‌کردند، بانک شاهنشاهی ایران، که وی در سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰ش به سختی با آن به چالش برخاست، از جمله نهادهایی بود که عقیده داشت ابتهاج به شدت مورد خشم خارجی‌ها قرار دارد. پافشاری سرسختانه وی بر اینکه همیشه

<sup>1</sup> Frances Bostock and Geoffrey Jones

<sup>2</sup> Planning and Power in Iran: Ebtehaj and Economic Development Under the Shah



حق با اوست، موجب شده بود تا مخالفینش آن را نشانه بلندپروازی و خودپسندی وی تلقی کنند. پاکدامنی ابتهاج، و مصمم بودن وی در این مورد که منابع کشور باید بطور عقلایی برای توسعه مورد استفاده قرار گیرد، منجر به درگیری وی با نظام سیاسی‌ای شده بود که به ظاهر در خدمت آن بود. شاید نتیجه اجتناب‌ناپذیر همین موضوع بود که وی را مجبور به کناره‌گیری از ریاست سازمان برنامه در سال ۱۳۳۱ش کرد و دو سال بعد هم بلافاصله بعد از بازگشت از کنفرانسی در آمریکا، که هنگام ارائه مقاله‌اش در آن به صراحت از فساد، رشوه خواری و سرکوب آزادی در کشورش انتقاد کرده بود، دستگیر شد (بوستاک و جونز، ۱۳۹۸: ۲۹-۳۱). مهدی پازوکی در پیشگفتاری بر کتاب برنامه‌ریزی و قدرت در ایران، بیان میکند: «به کار بردن القاب برای یک فرد در طول دوران زندگی اجتماعی بخصوص برنامه‌ریزی‌های کلان معنی و مفهوم خاصی دارد. نماد مبارزه با فساد، شایسته‌ترین مقام دولتی در خاورمیانه، بنیان‌گذار نهادهای مختلف در ایران، پیشگام نوگرایی جامعه ایران، نخستین تکنوکرات ایران، نابغه مالی ایران، بین‌المللی‌ترین اقتصاددان و مدیر قابل احترام ایران، مرد رشد اقتصادی ایران، آغازگر اندیشه برنامه‌ریزی قاعده‌مندتر در ایران و نظایر آن برای فردی گفته می‌شد که از جانب غربی‌ها به عنوان فردی ملی‌گرای، متعصب و وطن دوست یاد می‌شد و حتی کشورهای خارجی را در ایران چندان میدان نمی‌داد و برای منافع ملی بسیار پافشاری می‌کرد. از طرف داخلی‌ها هم، متهم به عنصر بیگانه و دست‌نشانده در جامعه ایران معروف شده بود. این فرد ابوالحسن ابتهاج است».

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، دو مسئله فکر برنامه‌ریزی اقتصادی را دارای اهمیت ساخت. اول ذخایر طلا و نقره حاصل از مخارج متفقین در ایران (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۴۳: ۱) و دوم شکل‌گیری بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) و وامدهی به کشورهای در حال توسعه بود (نیلی و کریمی، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۵). برای دومین بار پس از ۱۳۱۶ش کمیسیون تهیه نقشه اقتصادی در این دوران مجدداً تشکیل شد و به تأسیس هیئت عالی برنامه انجامید (آل یاسین، ۱۳۹۲: ۶۲). در تمامی این موارد و مسائل ابتهاج به واسطه برخورداری از چهره مورد حمایت داخلی و اعتبار بین‌المللی، نقش محوری و اصلی را برعهده داشت.

## ابتهاج و برنامه‌عمرانی اول

در سال ۱۳۱۶ش به پیشنهاد ابوالحسن ابتهاج (رئیس اداره نظارت بر شرکت‌های دولتی)، حسین‌اعلا (رئیس اداره کل تجارت) موضوع لزوم برنامه‌ریزی در ایران را با شاه مطرح کرد که مورد موافقت قرار گرفت (نیلی و کریمی، ۱۳۹۶). به دنبال آن، اساسنامه شورای اقتصاد با موافقت وزیر مالیه (علی اکبر داور) تهیه و برای تصویب به هیات دولت ارائه شد. و در فروردین سال ۱۳۱۶ش به تصویب هیات دولت رسید. در آن زمان جم نخست‌وزیر بود و داور تازه خودکشی کرده بود و محمود بدر کفیل وزارت مالیه شده بود (ابتهاج، ۱۳۷۱). بعد از تشکیل شورای اقتصاد، ابتهاج بعنوان رئیس دبیرخانه شورای اقتصاد، مسئول تهیه مقدمات سندی به نام نقشه اقتصادی کشور می‌شود. اصطلاح نقشه اقتصادی کشور را ابتهاج خود مطرح کرده است. پس از آن شورای اقتصاد در سال ۱۳۱۶ش یک کمیسیون دائمی به نام کمیسیون تهیه برنامه برای محصولات تشکیل داد. این کمیسیون پیشنهادهایی برای اصلاح وضع کشاورزی و اسکان عشایر تهیه کرد و برنامه‌ای به نام برنامه هفت‌ساله کشاورزی به نخست‌وزیر ارائه نمود (مک لئود، ۱۳۸۰). آخرین تلاش‌ها برای تهیه یک برنامه اقتصادی قبل از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به دست متفقین توسط ابتهاج صورت گرفت. در آبان ۱۳۱۸ش احمد متین‌دفتری، که در کابینه محمدجم سمت وزیر دارایی را داشت، مامور تشکیل دولت شد. ابتهاج در آن زمان مدیرکل بانک ملی ایران بود (نیلی، کریمی، ۱۳۹۶). در نامه‌ای که ابتهاج در تاریخ ۲ آذر ۱۳۱۸ش به متین‌دفتری ارسال می‌کند، آمده است: «اگر بخواهیم علت مغشوش بودن وضع اقتصادی کشور را بطور اختصار بیان کنیم، به جرات می‌توان گفت که دلیل عمده، (۱) نداشتن برنامه اقتصادی و (۲) نبودن مرکزیت در کارهای اقتصادی است»، در ادامه نامه با برشمردن مشکلات عدیده اقتصادی کشور، بهترین راه‌حل اصولی را برای کاهش این مشکلات، داشتن برنامه و یک سازمان هدایت‌کننده برنامه در هیات دولت ایران معرفی می‌کند (بانک ملی، ۱۳۲۷). این نامه را می‌توان اولین پیشنهاد برای تهیه یک برنامه اقتصادی و ایجاد سازمان برنامه در ایران است. نامه از طریق دفتر مخصوص به اطلاع رضاشاه می‌رسد (ابتهاج، ۱۳۷۱)، در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ش هیات دولت تشکیل

هیات عالی برنامه را تصویب کرد. پس از مطالعاتی که توسط هیأت عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز را از طریق گرفتن وام از خارج تأمین کند (کرد بچه، ۱۳۸۷).

این هیات، بانک ملی ایران (به سرپرستی ابتهاج) را مامور مطالعه برای پیدا کردن راهکارهای تأمین اعتبارات برنامه کرد (ابتهاج، ۱۳۷۱). هیات دولت به پیشنهاد و تشویق ابوالحسن ابتهاج (که از سال ۱۳۲۱ اش رئیس بانک ملی ایران و در سال ۱۳۲۳ اش نماینده ایران در کنفرانس برتون وودز بعنوان پایه گذار بانک بین المللی ترمیم و توسعه که هم اکنون بانک جهانی نامیده میشود، بود) تقاضای وامی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای برنامه هفت-ساله، تنظیم و در ۳ آبان ۱۳۲۵ اش از طریق سفارت ایران در آمریکا، تسلیم هیئت مدیره بانک بین المللی ترمیم و توسعه کرد. بانک جهانی (ترمیم و توسعه) پرداخت وام را منوط به ارائه گزارش دقیق و اعلام نحوه مصرف و شیوه استرداد وام دریافتی می کند (ابتهاج، ۱۳۷۱). برای تهیه برنامه مورد درخواست هیات مدیره بانک بین المللی ترمیم و توسعه، هیات دولت ایران از طریق سفیر ایران در آمریکا با چند شرکت مشاوره مذاکراتی انجام داد. نهایتاً حسن مشرف نفیسی بعنوان نماینده ایران در بانک بین المللی ترمیم و توسعه با شرکت مهندسین مشاور موریس نودسن<sup>۱</sup> وارد مذاکره و عقد قرارداد شد اعضای این هیات حدود چهار ماه در ایران بودند، و طی این مدت بانک ملی، محل استقرار و کار آنها بود. ابوالحسن ابتهاج (رئیس وقت بانک ملی) برای اطمینان از اینکه اعضای گروه وظایف خود را با کمترین مشکل و تاخیر انجام دهند، هرآنچه در توان داشت فراهم کرد و خدمات پشتیبانی بانک را در اختیار آنها قرار داد. بصورتیکه در گزارش مشاوران به این سطح از همکاری اشاره گردید.

### ابتهاج و تفکر برنامه ریزی توسعه اقتصادی

ایران یکی از نخستین کشورهای جهان سوم بود که برنامه ریزی اقتصادی را به اجرا درآورد. اولین برنامه ایران سه سال زودتر از نخستین برنامه هند و حتی زودتر از چین به اجرا گذاشته شد. ترکیه هم برنامه ای را در سال ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ ش) به اجرا درآورد، اما در خاورمیانه،

<sup>1</sup> Morrison Knudsen

برنامه‌ریزی اقتصادی در مصر در سال ۱۹۵۲م (۱۳۳۱ش) آغاز شد و در حقیقت تا اواخر دهه ۱۹۶۰م (۱۳۴۰ش) برنامه‌ریزی، از برنامه‌های سرمایه‌گذاری بخش عمومی فراتر نمی‌رفت. اندیشه برنامه‌ریزی قاعده‌مندتر در ایران نخستین بار در اواخر دهه ۱۳۱۰ش مطرح شد و آغازگر اصلی آن ابوالحسن ابتهاج بود. اگرچه ممکن است وی از تغییرات گسترده‌ای که برنامه‌های استالین<sup>۱</sup> در اتحاد جماهیر شوروی ایجاد کرده بود آگاه بوده باشد، اما نوع نگاه وی به برنامه‌ریزی، بیشتر از مشاهداتش از مشکلاتی که برنامه‌های اقتصادی رضاشاه در دهه ۱۳۱۰ش ایجاد کرده بود سرچشمه می‌گرفت. ابتهاج متقاعد شده بود که برنامه صنعتی-سازي مدنظر رضاشاه در مسیری اشتباه پیش می‌رود زیرا هیچ تلاشی برای اتخاذ یک رویکرد منطقی صورت نگرفته و آنچه مورد نیاز است وجود یک نهاد هماهنگ‌کننده برای تدوین برنامه است (بوستاک و جونز، ۱۳۹۸). چنانچه بیان شد در نامه‌ای ابتهاج به متین دفتری، به دو مسئله نداشتن برنامه اقتصادی و نبود مرکزیت در کارهای اقتصادی بعنوان مهمترین مشکلات توسعه اقتصادی در ایران اشاره گردیده است.

نگاه ابتهاج به برنامه‌ریزی، نگاهی غیرسوسیالیستی بود و به همین شکل هم باقی ماند. او هیچ علاقه‌ای به مالکیت دولتی گسترده در منابع نداشت بلکه برعکس در استدلال‌های او هم‌جهت با الگوی توسعه‌ای الکساندر گرشنکرون<sup>۲</sup> بود که وظیفه دولت در یک اقتصاد عقب‌مانده را هموارکردن راه برای شرکت‌های خصوصی می‌دانست. سال‌ها بعد در سال ۱۳۴۰ش ابتهاج دیدگاه‌هایش را برای تعدادی از مخاطبین در سان فرانسیسکو<sup>۳</sup> (چهارمین شهر بزرگ ایالت کالیفرنیا در آمریکا) اینگونه توضیح داد: «اگر کشورهای توسعه‌نیافته خواهان درهم‌شکستن چرخه‌شوم فقر و رکود هستند، درجه‌ای از برنامه‌ریزی ملی برای افزایش نرخ سرمایه‌گذاری ضروری است. وظیفه برنامه‌ریزی باید برعهده دولت باشد اما دولت، تنها پایه گذار فعالیت‌های جدید، موتور اصلی رشد، منبع مهم نوآوری، و یک کارآفرین بزرگ مقیاس است تا به سرمایه‌گذاران خصوصی در تشخیص و بکارگیری فرصت‌های توسعه یاری رساند».

<sup>1</sup> Stalin

<sup>2</sup> Alexander Gerschenkron

<sup>3</sup> San Francisco

ابتهاج بر این باور بود که رشد اقتصادی تنها راه حل بسیاری از مشکلات پیش‌روی ایران است. به باور او، این رشد به مراتب بهتر از یک ارتش بزرگ با ساز و برگ جنگی گران‌قیمت می‌تواند از کشور در برابر دشمنان خارجی پشتیبانی کند. همین دیدگاه بود که در سال‌های بعد موجب افزایش اختلاف میان ابتهاج و شاه شد. ابتهاج همچنین به رشد اقتصادی بعنوان راه‌حل مشکلات داخلی ایران و کاستی‌هایی که وی به وجود آنها پی برده بود می‌نگریست. این جنبه تفکر او بعدها توسط دکتر خداداد فرمانفرمائی، استاد جوان اقتصاد دانشگاه پرینستون آمریکا که در سال ۱۳۳۶ش از سوی ابتهاج تشویق به بازگشت به ایران و کار در سازمان برنامه شد اینچنین شرح داده شده است: «پایه اصلی اندیشه ابتهاج این بود که به محض اینکه شما سطح زندگی مردم را از طریق توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی شده افزایش می‌دهید، تمامی مشکلات سیاسی، فساد، ناکارآمدی، حسادت و مانند آن از ذهن و ضمیر ناخودآگاه و شخصیت مردم پاک می‌شود. مردم صادق تر شده و به همکاری علاقمندتر خواهند شد و تغییرات سیاسی و اجتماعی گسترده تری هم در نتیجه توسعه کشور به دست خواهد آمد» (گودرزی، مجیدی و فرمانفرمائی، ۱۳۸۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

هر کشوری برای توسعه در زمینه‌های مختلف و محقق‌شدن اهداف خود در سطح کلان نیازمند نظام برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی در ایران، یک مناسبت‌اداری، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که در آن، برنامه‌ریزان و کارشناسان فرصتی پیدا می‌کنند تا با سیاست‌مداران و مقامات کشوری به گفتگو بپردازند؛ اهداف و سیاست‌ها را تبیین کنند و با توجه به منابع و امکان‌پذیری، آنها را ارزیابی نمایند. سازمان برنامه از آغاز تشکیل خود تا به امروز، دوره‌های مختلفی را طی کرده است، ادغام و تغییرات ساختاری را به خود دیده است و هم-اکنون به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی، با عنوان سازمان برنامه و بودجه تحت نظر مستقیم ریاست جمهوری فعالیت می‌کند (مولایی و وهیبی فخر، ۱۳۹۹). مفهوم برنامه‌ریزی اجتماعی ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته اروپای غربی و آمریکای شمالی به کار گرفته شد و دلالت بر برنامه‌ریزی برای فراهم کردن خدمات اجتماعی داشت. این مفهوم با توجه به گستره، اهداف

و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی به کارگیری آن، با تعاریف و رویکردهای متفاوتی مورد استفاده پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است (امیدی: ۱۳۹۱). الگوی نوسازی در ایران با حکومت رضاشاه یعنی با شروع دوره پهلوی پایه‌گذاری شد (ناعم و یعقوب زاده، ۱۳۹۶). در ایران با به قدرت رسیدن رضاشاه، اقداماتی برای رهایی از مشکلات و آشفتگی‌هایی که کشور ایران در اواخر دوران حکوت قاجار با آنها دست به گریبان بود، صورت گرفت و در طی حکومت شانزده ساله رضاشاه اقدامات زیادی در این راستا انجام گرفت. تهیه برنامه عمرانی اول (هفت ساله) و اجرای آن با تصویب قانون اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه توسط مجلس شورای ملی در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ش، آغازی برای کاربرد برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران بود. با توجه به منابع موجود (گزارشات سازمان برنامه، گزارشات برنامه عمرانی اول، خاطرات دکتر ابتهاج و سایر مدیران سازمان برنامه، مقالات و تحقیقات مرتبط و کتب و مجلات موضوع پژوهش) نقش ابوالحسن ابتهاج در شکل‌گیری سازمان برنامه در ایران، نقشی اساسی و بی‌بدیل بوده است که در ادامه به مهمترین محورهای آن پرداخته شده است:

### ۱- محوریت ایجاد تفکر برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح حاکمیت

در مورد مطرح شدن تفکر برنامه‌ریزی در ایران و یا حداقل اینکه چه کسی یا کسانی این موضوع را برای اولین بار در سطح حاکمیت اقتصادی و سیاسی ایران مطرح کرده‌اند اتفاق نظر قطعی وجود ندارد. در سال ۱۳۰۳ش کمیسیونی با مشارکت دولت و مجلس تحت عنوان کمیسیون اقتصادیات، با هدف برنامه‌ریزی اقتصادی تشکیل شد. این کمیسیون که ریاست آن را سیدحسن تقی زاده بعهده داشت و هفت نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی در آن عضویت داشتند با هدف هماهنگی در اجرای برنامه‌های عمرانی و اقتصادی تشکیل شد در سال ۱۳۱۰ش مهندس علی زاهدی در کتابی با عنوان لزوم پروگرام صنعتی تلاش‌های زیادی برای صنعتی شدن ایران به عمل آورد. در سال ۱۳۱۶ش به پیشنهاد ابوالحسن ابتهاج، حسین اعلا (رئیس اداره کل تجارت) موضوع لزوم برنامه‌ریزی در ایران را با رضاشاه مطرح کرد که مورد موافقت قرار گرفت (نیلی و کریمی، ۱۳۹۶: ۳۰). به دنبال آن، اساسنامه شورای اقتصاد با موافقت وزیر مالیه (علی اکبر داور) تهیه و برای تصویب به هیئت دولت ارائه شد.

و در فروردین سال ۱۳۱۶ش به تصویب هیئت دولت رسید. بنابراین گرچه قبل از ابوالحسن ابتهاج مکتوبات و اقداماتی در زمینه مدیریت توسعه اقتصادی کشور شکل گرفته بود، اما محوریت و آغازگر لزوم برنامه‌ریزی مدون حاکمیتی برای توسعه عمرانی و اقتصادی کشور ابتهاج بود.

## ۲- تهیه نخستین تشکیلات متمرکز و برنامه‌های موضوعی

بعد از تشکیل شورای اقتصاد، ابتهاج بعنوان رئیس دبیرخانه شورای اقتصاد، مسئول تهیه مقدمات سندی به نام نقشه اقتصادی کشور می‌شود. اصطلاح نقشه اقتصادی کشور را ابتهاج خود مطرح کرده‌است. پس از آن شورای اقتصاد در سال ۱۳۱۶ش یک کمیسیون دائمی به نام کمیسیون تهیه برنامه برای محصولات تشکیل داد. این کمیسیون پیشنهادهایی برای اصلاح وضع کشاورزی و اسکان عشایر تهیه کرد و برنامه‌ای به نام برنامه هفت‌ساله کشاورزی به نخست‌وزیر ارائه نمود. چنانچه ملاحظه می‌شود اولین تشکیلات منسجم و برنامه‌های موضوعی (مانند تهیه نقشه اقتصادی کشور، کمیسیون تهیه برنامه برای محصولات، برنامه هفت‌ساله کشاورزی) توسط دکتر ابتهاج تشکیل و تدوین شدند.

## ۳- ترویج لزوم استفاده از شرکت‌های مشاوره خارجی و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی

ابتهاج معتقد بود تا زمانی که برای انجام امور، کشور، نقشه نداشته باشد وضع مملکت درست نخواهد شد؛ و همچنین استدلال می‌کرد که مملکتی مانند ایران، با امکانات مالی و نیروی انسانی محدود و احتیاجات نامحدود قادر نیست در ظرف مدت کوتاهی کلیه احتیاجات خود را تأمین کند؛ بنابراین باید دید مهمترین و ضروری‌ترین کارهایی را که می‌توان در مدتی معین با بودجه‌ای معین انجام داد کدام هستند؛ در غیر این صورت دولت دست به کارهایی خواهد زد که ممکن است به خودی‌خود مهم باشد ولی از دید کلی برای احتیاجات مملکت مفید نبوده بلکه مضر هم باشند (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۲۹۷). پس از مطالعاتی که توسط هیأت عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز را از طریق گرفتن وام از خارج تأمین کند. از

این رو یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک بین المللی ترمیم و توسعه درخواست شد. برای تأمین شرایط بانک، تشریح و توجیه طرح‌های پیشنهادی ضروری بود. بنابراین، شرکت آمریکایی موریس نودسن به عنوان مشار انتخاب و مشغول به کار شد. اساساً در آن زمان، بعضی از مقامات ارشد دولت و نمایندگان مجلس با دریافت وام از خرج برای اجرای برنامه عمرانی مخالف و معتقد بودند که با صرفه‌جویی‌های داخلی و بسیج مردم برای کارهای عمرانی کشور می‌توان در مرحله ی اول، طرح‌های اولویت‌دار را به اجرا درآورد و در صورت نیاز، از قرضه عمومی استفاده کرد. از سوی دیگر، بعضی از مقامات پر نفوذ اقتصادی دولت، از جمله ابوالحسن ابتهاج رئیس بانک ملی، دریافت وام را به علت مشکلات اقتصادی پیچیده کشور و فقدان امکان تجهیز منابع داخلی، با رعایت اصول و شرایط قابل قبول از سوی دولت ایران، کاملاً تجویز می‌کردند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۹۲). ابتهاج همواره موافق بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها و نیز استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی بود. ابتهاج نزد دولت و محافل مالی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا بسیار مورد احترام بود و دیدگاه‌های وی در مورد موضوعات مختلف مالی و توسعه و برنامه‌ریزی، همواره مورد توجه قرار می‌گرفت. استوارت آلسوپ<sup>۱</sup> روزنامه نگار آمریکایی، که در سال ۱۹۴۷م (۱۳۲۶ش) از ایران بازدید کرده بود، بیش از هر چیزی بر احترامی که ابتهاج در غرب از آن برخوردار بود تأکید می‌کرد. ارتباط ابتهاج با مباحث مربوط به روابط خارجی ایران هنگامی آغاز شد که کشور به دلیل اعمال کنترل‌های ارزی توسط بریتانیا در حوزه پوند در سال ۱۳۱۸م و سپس اشغال ایران توسط متفقین، با مشکلات پولی و ارزی جدی روبرو بود.

---

<sup>1</sup> Stewart Alsop



## منابع

- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱). *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*. چاپ اول، نشر علمی، تهران.
- آل یاسین، احمد (۱۳۹۲). *تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران*، تهران، مرکز نشر سمر.
- امید، رضا (۱۳۹۱). *تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی*. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۷ (۴): ۹۷-۱۱۴.
- ایزدی، رجب؛ حیدرپور اینانلو، مرتضی (۱۳۹۴). *بررسی پیامدهای برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی دوره پهلوی اول و دوم و نقش آن در شکل‌گیری انقلاب-ایران*. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۴ (۲): ۱-۲۷.
- یارمحمدی، حسین؛ اکبر، چشمی (۱۳۸۵). *اندازه دولت در اقتصاد ایران*، بانک مرکزی، تهران، ایران.
- بوستاک، فرانسیس؛ جونز، جفری (۱۳۹۸). *برنامه‌ریزی و قدرت در ایران*: ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی در زمان شاه، مترجمان: مهدی‌پازوکی و علی-حبیبی، تهران: انتشارات کویر.
- تاس، مک لئود (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی در ایران؛ براساس تجارب گروه مشاوران-دانشگاه‌هاروارد در ایران در تهیه برنامه عمرانی سوم*. ترجمه علی اعظم محمدبیگی، نشرنی، تهران.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۳). *تجربه چند کشور در برنامه‌ریزی اقتصادی با تأکید بر تجربه شوروی سابق، فرانسه، هند و کره جنوبی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران*.
- حاتمی نژاد، حسین؛ محمدپور، صابر؛ منوچهری، ایوب (۱۳۸۸). *اثرات برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی بر تحولات برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه و عمران شهری در شوروی*، فصلنامه جغرافیای انسانی، ۲ (۱): ۱-۱۴.

- حاجی یوسفی، علی (۱۳۸۲). بررسی سیر تکوین اندیشه برنامه‌ریزی و توسعه در ایران (قسمت دوم)، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳(۹): ۹۱-۱۰۸.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش- کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار-اشراقی.
- رجب پور، حسین (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی (مروری بر تحولات نظام برنامه‌ریزی در ایران)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهران، ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۳). گزارش اجرای برنامه هفت‌ساله عمرانی دوم، تهران: چاپ‌خانه سازمان سمعی و بصری.
- شهوند، علی؛ سعیدی نیا، حبیب‌اله (۱۳۹۷). تحلیلی تاریخی از زمینه‌های پیدایش برنامه‌ریزی توسعه‌ای و شکل‌گیری سازمان برنامه در ایران (دوره پهلوی ۱۳۰۴-۱۳۲۷ش)، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، ۲۸(۴۰): ۳۳-۵۷.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۷). مروری بر تاریخچه برنامه‌ریزی در ایران، تهران؛ دنیای اقتصاد.
- مولایی، آیت؛ وهیبی فخر، مریم (۱۳۹۹). اقدامات ابوالحسن ابتهاج در ساختار نظام برنامه‌ریزی ایران؛ تحلیل از دیدگاه حقوق اداری. فصلنامه حقوق اداری. ۸ (۲۴): ۲۰۹-۲۳۰.
- مومنی، فرشاد (۱۳۹۴). کالبدشناسی یک برنامه توسعه. مؤسسه تحقیقات اقتصادی- دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- ناعم، نیما؛ یعقوب زاده، امید (۱۳۹۶). موانع توسعه در ایران. نقد فرهنگ، تهران.
- نیلی، مسعود؛ کریمی، محسن (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۱۶-۱۳۵۶؛ تحلیلی تاریخی با تمرکز بر تحولات، نقش و جایگاه سازمان برنامه و بودجه. چاپ دوم، نشر نی، تهران.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۹). بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهران، ایران.

- بانک ملی (۱۳۲۷). مجله بانک ملی، نشریه ادواری، انتشارات بانک ملی، شماره ۹۶.
- گودرزی، منوچهر؛ فرمانفرمائیان، خداداد؛ مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱). توسعه در ایران: ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، تهران. نشر گام.

---

## **Investigating the role of Abolhassan Ebtehaj in the formation of the program organization and development planning thinking in Iran**

Nabi Omidi

### **Abstract**

Abolhassan Ebtehaj is known as the mastermind of planning in Iran, the founder of the planning system in Iran and one of the most enthusiastic supporters of John Maynard Keynes. The purpose of the research is to explain the role of Ebtehaj in the formation of the program organization in Iran. This research is qualitative and has been done by document analysis. Documents are in the category of textual paradigms, which are an inseparable part of other systems and structures in the organization. In this way, they define the understanding of specific issues and describe various behaviors and ways of doing things. Therefore, the information that these documents provide to researchers is more comprehensive than the information that researchers obtain through interviews or questionnaires. The results of the research showed: 1. The centrality of creating economic planning thinking at the governance level, 2. Preparing the first centralized organizations and thematic programs, and 3. Promoting the necessity of using foreign consulting companies and using international capacities, of the most important roles of Ebtehaj in forming the planning organization and creating planning thinking in Iran.

**Keywords:** Abolhassan Ebtehaj, Program Organization, Planning, Economic Development, Iran